

پرطرفدارترین اشعار او در میان  
موسیقیدان‌ها کدامند؟

## آفتاب می‌شود در ۱۸ روایت



شش‌پایه در ۱۸

۱- حسین کاره پنهانی  
۲- مرشد نظیرقلیبه نصیری  
۳- گروه سوزن آزاد  
۴- فرخنده فرخزاد  
۵- گروه کامیارها و...  
۶- گروه شاندیز  
۷- فرخزاد رضائی

در میان بیش از ۸۰ قطعه موزیک منتشر شده در سال‌های اخیر که از اشعار فروغ فرخزاد در آن‌ها استفاده شده است، نام چهار شعر بیشتر به چشم می‌آید: «آفتاب می‌شود»، «عاشقانه»، «میان تاریکی» و «بعدها». جالب اینکه سه شعر اول از مجموعه «تولد دیگر» هستند.

رکورددار این بخش «آفتاب می‌شود» است که ۱۸ بار توسط خوانندگان مختلف اجرا شده؛ از حسین بختیاری (تک آواز آلبوم پری‌خواتی) گرفته تا فرهاد رضائی و گروه پالت و حتی تنها اجرای شهرام ناظری از فروغ که البته هنوز منتشر نشده است. ارسلان کامکار، مهسا وحدت، گروه ساکن روان، آبتین زیان، جهان، مهوش آذیر، مهدی مقدم، مهدیه محمدخانی، سالار عقیلی، گروه شاندیز، فریدون فرخزاد، سوسن آزادی، Lost Soul Studios، گروه کامیارها و... هم این شعر را خوانده‌اند: «نگاه کن که غم درون دیده‌ام / چگونه قطره قطره آب می‌شود / چگونه / سایه سیاه سرکشم / اسیر دست آفتاب می‌شود...»

شعر معروف «عاشقانه» را حتما با صدای محمد نوری یا معین به خاطر می‌آورید. علیرضا قربانی هم در ابتدای آلبوم اخیرش آن را خوانده است. پری ملکی، سوسن آزادی، فریدون فرخزاد، بهرخ و مهدیه محمدخانی هم این شعر را اجرا کرده‌اند: «ای شب از رویای تو رنگین شده / سینه از عطر تو ام سنگین شده / ای به روی چشم من گسترده خویش / شادی‌ام بخشیده از اندوه بیش...»

«میان تاریکی» هم پرطرفدار است؛ هم روی آلبومی که با صدای علی زند وکیلی از اشعار فروغ منتشر شده قرار گرفته و هم نام آلبوم شعرخوانی الهام یاونژاد (گجاست خانه باد؟) از بخش بیابانی این شعر گرفته شده است. ارسلان کامکار، پری ملکی، الهه سرور و گروه شاندیز هم این شعر را اجرا کرده‌اند.

«بعدها» (مرگ من روزی فرا خواهد رسید) از مجموعه «عصیان» دیگر شعر پراجرای فروغ است. سوسن آزادی، کوروش یزدانی، علیرضا قربانی، علی زند وکیلی، فریدون فرخزاد، آبتین زیان، احمد ظاهر و نوید اورکزی (خواننده‌های افغانستانی) آن را خوانده‌اند.

«از دوست داشتن»، «رمیده»، «عصیان»، «اندوه‌پرست» و... سایر اشعار پرطرفدار فروغ در عالم موسیقی بوده‌اند که دست‌کم سه اجرا از هر کدام وجود دارد.

من در دو سه شعر آن زیبایی افکار زنانه فروغ را حس کردم و شیفته‌اش شدم. یکی در شعر «رویا» که نگاه کودکانه‌ای به عشق و شاهزاده دارد. و شعر «غروبی ابدی» که در آن شخصیت شکننده او را می‌بینیم که در پایین‌ترین سطح زندگی در حال حرف زدن است و شعرهای «آیه‌های زمینی» و «مرز پر گهر» که با کمال شجاعت تمام مسائل اجتماعی و قافیه و وزن را به باد تمسخر می‌گیرد. در همین شعر به کودک خود هم رجوع کرده، که یک کات بسیار سخت در مغز ایجاد می‌کند

نخواهد داشت و خواهد گفت: «این ایرانی که موسیقی مدرن کار می‌کند کی هست؟!» به هر حال تماس گرفتم و به ایشان گفتم که ما می‌خواهیم یک شب با ترجمه‌های آلمانی اشعار فروغ را اجرا کنیم. هانا گفت: «من حاضرم بیایم و خیلی زود هم قبول کرد.» گفتم: «چشم زود گفتید، من فکر می‌کردم حالا باید کلی برایتان توضیح بدهم و خودم را آماده کرده بودم که این چیزها را بگویم.» گفت: «نه، لازم نیست. من عاشق فروغم و دوستش دارم.» گفتم چطور مگر؟ گفت: «من و رایتر فاسبیندر تمام فستیوال‌های اوپرهاوزن را به خاطر فروغ می‌رفتیم، برای اینکه در این فستیوال برای اولین بار فیلم «این خانه سیاه است» فروغ را در بخش مستند دیدیم و آنقدر زیبا بود که جایزه اول را گرفت و از سال بعد نام این جایزه در بخش مستند را جایزه فروغ گذاشتند. من فروغ را خیلی دوست دارم و حاضرم حتما این کار را انجام دهم.» هانا آمد و بسیار هم زیبا کار کرد و من واقعا از کار او که هنرمندی حرفه‌ای بود لذت بردم. یعنی در تمرین کارهایی می‌کرد که بعد روی سن آن کارها را متبلور می‌کرد و تازه می‌فهمیدی که چرا این کارها را در تمرین می‌کرده. مثلاً اولین شعری که باید در کنسرت می‌خواند شعر «باد ما را خواهد برد» بود. آمد، نشست روی سن، من وار کستر منتظر بودیم که شروع کند و بخواند ولی شروع نکرد و همین‌طور مردم را نگاه کرد. مردم هم مانده بودند که ایشان چرا شروع نمی‌کند. نوازنده‌ها هم منتظر بودند. چیزی نمی‌گفت و یک مدت طولانی فقط نگاه می‌کرد. بعد ناگهان شروع کرد: «آه آری، بیش از این‌ها می‌توان خاموش ماند...» از کستر هم شروع کرد و یک مود خیلی خوبی به‌وجود آمد. او از این ایده‌ها داشت و سعی می‌کرد شعر را وارد میزاسن کند. و چون موسیقی مرانشیده بود، می‌دانست که جریان چیست و از نظر فونوتیک هم سعی داشت خودش را به افکاری که من در اجرا داشتیم نزدیک کند.

### وسومین اجرا!

بار سوم در هامبورگ به کمک سپیده وحیدی که هنرمندی درجه یک است، کار کردیم. سبکی که او اجرا می‌کند منحصر به فرد است و با یک خواننده آلمانی زبان به نام مارلیز پترسون خواندند. ما یک بار به آلمانی اجرا کرده بودیم و یک بار هم فارسی، گفتم پس این بار فارسی و آلمانی را با هم کار کنیم. این بار خواهش کردم که شعر «آیه‌های زمینی» را کار کنیم. اگر اجرا را بشنوید متوجه کیفیت بالای کار مارلیز و سپیده می‌شوید و از کستر هامبورگ هم نوازندگی آن را انجام داد که بسیار عالی کار کردند.

### قصه‌نارید در ایران هم از فروغ اجرایی داشته باشید!

دو سه ماه دیگر توسط آنسامبل تهران انجام می‌شود. خیلی زیاد رویش کار کرده‌اند و این قابل تقدیر است که می‌خواهند چنین کار مشکلی را دوباره اجرا کنند. این کار خیلی سختی است چون قبلاً من می‌دانستم چه کسانی می‌خواهند بخوانند، می‌دانستم خواننده مارلیز پترسون است که هر چیزی را جلوی او بگذاری می‌تواند بخواند. آواز نوشتن آسان نیست، باید برای شخص بنویسید. در عمده اپراها آهنگساز جوری نوشته که برای یک خواننده مخصوص بوده و وقتی شخص دیگری قرار بود آن اپرا را اجرا کند، بعضی از آرایه‌ها را تغییر می‌دادند. یعنی حکم خیاط را پیدا می‌کرد که لباس را برای یک فرد مشخص دوخته است.



هانا شیگولا هنرپیشه و خواننده معروف که با فیلم‌های همسرش رایتر فاسبیندر در ایران شناخته می‌شود، به دلیل علاقه به فروغ با نادر مشایخی در یک کنسرت همکاری کرده و ترجمه آلمانی اشعار او را خواند.



«ویژگی‌نامه» انتشار  
آلبوم «فروغ» با  
صدای علیرضا  
قربانی بهانه‌ای شد  
تا سه آرزوهای آثار  
موسیقیایی بهره‌مند  
از اشعار فروغ  
فرخزاد بهره‌ایم.  
سندش کارنامه این  
آثار حکایت از...